

هشیاری چیست؟ (۴) (از مجموعه راهنمای کاربران مغز)

Category: علوم، مطالب این وبگاه
2024 | دسامبر 15 | written by admin



داستانی که برای خودمان تعریف می‌کنیم...

آنتونیو داماسیو

متن فارسی از: فرزین آقازاده



بعضی از فلاسفه هنوز بر این پای می‌فشارند که هوش انسان را یارای پی بردن به راز هشیاری نیست. و این برای من بسیار عجیب است و باور دارم که رأی نادرستی است. درست است که همه ما شاید این احساس معقول را داشته باشیم که ذهن چیزی خاص و متفاوت با مقوله‌های معمولی است و شاید بتوان برای آن جدای از مغز هویتی قایل شد اما این واقعیت که ما یک دریافت درونی داشته باشیم، صرف این‌که آن دریافت به‌نظرمان معقول بیاید، دلیل بر درستی آن نخواهد بود.

تمام آنچه انتظار داریم تاریخ‌نگار طبیعت به ما بیاموزد تا شاید چندوقن هشیاری را دریابیم امروز در اختیار ماست و در مباحث دو رشته علمی، یعنی روانشناسی تکاملی و زیست‌شناسی تکاملی، می‌توانیم آنها را ببابیم. این ماجرا از آنجا آغاز شد که ساختارهای ژنی اندک‌اندک خود را به‌نحوی شکل دادند تا بتوانند موجودات زنده پیچیده‌ای را به‌وجود بیاورند که مغز آن موجودات این توان را داشته باشد تا امکان بروز رفتار را برای ایشان فراهم کند؛ زان‌پس فرایند تکامل همچنان ادامه می‌یابد و بر پُرمایگی آن مغزهای پیچیده می‌افزاید و سپس مغزهای تکامل‌یافته‌تر می‌توانند برپیکره خود احساسها و حرکتها را سامان دهند آن‌گونه که نقشه این مغز برای ما بازنماینده محیطی خواهد بود که با آن تعامل دارد؛ بازهم تکامل ادامه می‌یابد و بر پیچیدگی مغز می‌افزاید چندان‌که بخشهای مختلف آن (درمَثَل) انگار که بایکدیگر به گفتگو می‌پردازند تا طرحها و الگوهای را برای کنشهای متقابل موجود زنده و محیطش پدید آورند. و اکنون در قالب همین اندرکنشهاست که نوبت به ارتباط و مکالمه میان الگوهای مذکور فرا می‌رسد و اگر گوش بسپاریم از دل نجوای دایمی آنها که از درون وجودمان می‌جوشد، سرگذشت خود را خواهیم شنید. گفت‌ووشنودهایی که خود زاده محیط است و زیر نفوذ آن دستخوش تغییر می‌شود. این گفتگوها حتی آن زمان که زبان به‌وجود نیامده بود شنیده می‌شد و امروز در قالب کلام درمی‌آید. کودکان ما نیز آن را در درون خود دارند و آنگاه که لب به سخن می‌گشایند برای آنها نیز رنگ و بوی واژه می‌گیرد.

این بصیرتِ لدنی در نزد ما به پیدایی ضمیر درون می‌انجامد که وجود این‌چنین چیزی الگوهای حسی و حرکتی مغز را از صورت الگوهای ذهنی ناآگاه به حالت تصویرهای ذهنی آگاه و هشیار بدل می‌کند. ساختگی بودنِ آگاهی، کلید حل معمای هشیاری است. اصلاً نیازی هم به حضور یک آدمک* در اتاقِ فرمان مغز نیست. از دیدگاه علمی فقط کافی است روند درازآهنگی را متصور شویم که آغازش با ژنها و انجامش با فرهنگ است.

آنتونیو داماسیو (Antonio Damasio)، «مؤسسه مغز و آفرینش» (Brain and Creativity Institute) در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در لس‌آنجلس را اداره می‌کند.

Homunculus *